جمال شورجه (فیلمساز) | ابوالقاسم طالبی (فیلمساز) | محمد کاسبی (بازیگر) | رسول ملاقلی‌پور (فیلمساز) | شهریار بحرانی (فیلمساز) | داریوش ارجمند (بازیگر) | داود میرباقری (فیلمساز) | مرتضی شعبانی (مستندساز) | پروانه معصومی (بازیگر) | مهدی فقیه (بازیگر) | ابراهیم حاتمی‌کیا (فیلمساز) | فرج‌الله سلحشور (فیلمساز) | هادی محمدیان (پویانما) | مجید مجیدی (فیلمساز) | شهید آوینی (فیلمساز) | نادر طالب‌زاده (کارگردان)

زنگ مجازی- جنگ ترکیبی

چرخه دیالکتیک تضادها در جنگ ۱۲ روزه

عزیزالله محمدی(امتدادجو)

در طی بررسی چند زاویه متفاوت از نظریه دیالکتیک و انطباق آن با جنگ ۱۲ روزه در دو یادداشت قبلی این ستون، چنین بیان شد: «این جنگ تنها یک درگیری نظامی نبود، بلکه یک تقابل همه‌جانبه راهبردی، نظامی و رسانه‌ای بود که برآیندهای این تقابل‌ها نشان می‌دهد؛ تغییر در معادلات امنیتی منطقه و تقویت وحدت ملی و مشروعیت نظام جمهوری اسلامی ایران بعد از این جنگ افزایش پیدا کرد.

همچنین با بررسی فرا متنی این نظریه نشان داده شد؛ «سنتزها» ثابت نیستند و خود می‌توانند به «تز»های جدیدی تبدیل شوند که «چرخه دیالکتیک تضادها» در سطح منطقه‌ای و داخلی را ادامه‌دار می‌کنند.

و اکنون، در ادامه به بررسی ابعاد دیگر و تاثیرگذار این نظریه نسبت به جنگ ۱۲ روزه می‌پردازیم که در مرحله اول، با توجه به اهمیت و نتایج «نظامی» شکل گرفته، به این وجه از کارکرد دیالکتیک می‌پردازیم و مسلم است که با در نظر گرفتن کلیت و شاکله مفاهیم نظریه دیالکتیک که بر روی سه فاکتور و مؤلفه (تز، آنتی‌تز و سنتز) کلیدی بنا شده است؛ در هر مورد قابل خوانش از منظر این نظریه، بر اساس همان سه مؤلفه و فاکتور کلیدی به جست‌وجوی کارکردها و تاثیرات قابل احصاء این نظریه خواهیم پرداخت.

دیالکتیک در استراتژی نظامی

مفهوم دیالکتیکی و نمود عینی از دیدگاه نظامی در این جنگ، نسبت به ایران بازگوکننده آن است که«تز» شناخته شده در ارتباط با «جنگ نیابتی» و نمود عینی آن که حمایت ایران از گروه‌های مقاومت است می‌تواند وجود داشته باشد.

در نقطه مقابل «آنتی‌تز» بیان می‌کند که این جنگ مستقیم صورت گرفت و نمود عینی آن هم حمله موشکی مستقیم ایران به اسرائیل و بالعکس است.

«سنتز» دیالکتیک، این تز و آنتی‌تز، استراتژی نظامی دو طرف را تحت عنوان جنگ ترکیبی و نمود عینی آن را در فرم جدید درگیری‌ها تحت عنوان برآیند جنگ جست‌وجو می‌کند.

دیالکتیک در مدیریت اطلاعات و رسانه

این بعد از جنگ، یکی از جالب‌ترین موارد برای تحلیل دیالکتیکی است. تز (ادعای اولیه) بیان می‌کند که اسرائیل مدعی آن است که«توان دفاعی کامل دارد» و ایران نیز در نقطه مقابل می‌گوید «ضربات مهلک وارد کرده است.»

آنتی‌تز (شواهد متضاد) در مدیریت اطلاعات و رسانه جنگ ۱۲ روزه نسبت به موارد ادعای دو طرف شواهدی جدی از جمله «انتشار تصاویر خسارات در اسرائیل» و «نمایش توان موشکی ایران» و «جنگ روایت‌های متناقض» را بازگو می‌کند.

سنتز (برآیند) این نظریه نشان از ایجاد واقعیت جدید (realite nouvelle) در ادراک عمومی دارد و علاوه‌بر آن «شکل‌گیری فضای بی‌اعتمادی به رسانه‌های رسمی» را نیز در کنار «قدرت‌گیری رسانه‌های اجتماعی به عنوان منبع اطلاعات» مطرح می‌کند.

دیالکتیک در روابط بین‌الملل

قطب‌بندی سنتی (غرب در مقابل محور مقاومت) «تز» آشکار دیالکتیک «روابط بین‌الملل» در جنگ ۱۲روزه را دارا هست که در نقطه «آنتی تز» ظهور بازیگران جدید منطقه‌ای و تغییر مواضع برخی کشورهای عربی قرار می‌گیرد.

«سنتز» موجود برای این تز و آنتی تز، بازتعریف معادلات منطقه‌ای و ایجاد ائتلاف‌های جدید است که حاوی نکات کلیدی دیالکتیکی برای این جنگ می‌تواند باشد:

۱) گذار از تفکر مرسوم «نیابتی» به «مستقیم» با دو پیامدی که دارد. (شکسته شدن تابوی درگیری مستقیم) و (ایجاد الگوی جدید برای تنش‌های آتی).

۲) تغییر در محاسبات امنیتی با دو وجه مجزا: (بی‌اثر شدن دکترین‌های امنیتی سنتی) و (ضرورت بازتعریف استراتژی‌های دفاعی)

۳) دیالکتیک بازدارندگی- که به نظر خیلی مهم‌تر از سایر موارد می‌آید با (ایجاد تعادل جدید ترس) و (شکل‌گیری معادله بازدارندگی چند بعدی)

سنتز نهائی و پیامدهای این جنگ به یک «نقطه عطف دیالکتیکی» در مناسبات منطقه تبدیل شده که ابتدا خط قرمزهای جدید تعریف کرد و سپس معادلات قدرت را بازنویسی و الگوی جدیدی از درگیری را ارائه داد. همچنین توانست محاسبات استراتژیک همه بازیگران را تغییر دهد.

این سنتز نهائی خود نیز به «تز جدیدی» تبدیل شده است که می‌تواند مبنای تقابل‌های آینده در منطقه شود و اگر جنگ بعدی رخ دهد بر اساس این واقعیت جدید و در چارچوب این معادلات تازه شکل یافته خواهد بود.

دیالکتیک اقتصادی

اصل نظریه دیالکتیک اقتصادی جنگ ۱۲ روزه، به مفهوم «دیالکتیک و نمود عینی آن در جنگ» و «پیامدهای اقتصادی» دارای «تز»ی با عنوان «تحریم‌های حداکثری» است که با فشار اقتصادی غرب بر ایران و با هدف تضعیف توان نظامی جهت کاهش درآمدهای ارزی، محدودیت در تجارت مشخص شده.

آنتی‌تز این تز مطرح شده «مقاومت اقتصادی» مبتنی بر توسعه راهکارهای بایپاس(جایگزین) تحریم و تجارت منطقه‌ای است که پیامدهای مثل خودکفایی نسبی در برخی بخش‌ها (sectors) را دارد و موجبات، تقویت اقتصاد غیررسمی را فراهم می‌کند.

سنتز شناخته شده برای این تز و آنتی‌تز شکل یافته «اقتصاد مقاومتی- جنگی» و همچنین شکل‌گیری اقتصاد جدید با ویژگی‌های دفاعی و تهاجمی است که در بستر ایجاد (شبکه‌های مالی موازی و تقویت تولید داخلی) به وجود می‌آید و دارای زیر شاخه‌هایی نیز می‌تواند باشد.

الف) دیالکتیک هزینه- فایده اقتصادی

تز (محاسبات اقتصادی پیش از جنگ) درخصوص اسرائیل معتقد است جنگ باعث رشد اقتصادی و جلب سرمایه‌گذاری بیشتر می‌شود و درخصوص ایران می‌گوید؛ ادامه تحریم‌ها به تدریج اقتصاد را فرسوده می‌کند؛ اما آنتی‌تز این تز با رویکرد (واقعیات پس از جنگ) می‌گوید: اسرائیل در این جنگ متحمل هزینه‌های دفاعی سرسام‌آور و اختلال در فعالیت‌های اقتصادی و همچنین فرار سرمایه‌گذاری‌ها شده و در نقطه مقابل ایران را به تقویت تولید داخلی نظامی، توسعه فناوری‌های بومی و افزایش همبستگی اقتصادی داخلی آورده است.

سنتز شکل گرفته از این تز و آنتی‌تز، معادلات جدید اقتصادی است که ایجاد «تعادل جدید رعب‌انگیز» اقتصادی، شکل‌گیری معادله «هزینه-پاداش» جدید برای درگیری‌های آتی و توسعه اقتصاد سایه در هر دو طرف را مطرح می‌کند.

ب) دیالکتیک توسعه نظامی- اقتصادی

تز (الگوی سنتی) در ذیل توسعه نظامی- اقتصادی بیان‌کننده آن است که ابتدا توسعه اقتصادی اولویت دارد و هزینه‌های نظامی ثانویه(secondary) هستند.

آنتی‌تز این الگوی سنتی، تاکید بر الزامات جنگ دارد و نیاز به سرمایه‌گذاری کلان در بخش دفاعی و اولویت‌بندی مجدد بودجه‌ها را مقدم می‌شمارد.

سنتز موجود بر این الگو، ادغام اقتصاد و امنیت، شکل‌گیری «اقتصاد دفاع محور» و توسعه فناوری‌های دوگانه (نظامی-غیره نظامی) است.

درادامه چند نکته کلیدی درخصوص دیالکتیک اقتصادی با عناوین مجزا از هم نیز قابل طرح در بستر نظریه دیالکتیک هست که شاید آنچنان تابع تز و آنتی تز و سنتز نباشند؛ اما در چارچوب شناخت از کلیت موضوع دیالکتیک می‌توان به آنها پرداخت:

(۱) دیالکتیک وابستگی- خودکفایی:

شامل وابستگی اقتصادی جهانی در مقابل ضرورت خودکفایی، شکل‌گیری زنجیره‌های تأمین موازی، توسعه بازارهای مالی جایگزین

(۲) دیالکتیک منابع:

تخصیص منابع بین نیازهای مدنی (civil) و نظامی(military)، ایجاد تعادل جدید در اولویت‌های سرمایه‌گذاری و بازتعریف مفهوم «امنیت اقتصادی» موارد قابل تامل و مورد توجه «دیالکتیک منابع» می‌توانند باشند.

(۳) دیالکتیک سرمایه‌گذاری:

این بخش از دیالکتیک اقتصادی می‌تواند موثرترین و تاثیرگذارترین گزینه برای برنامه اقتصادی آتی باشد که در طی آن «جلب سرمایه‌گذاری خارجی در مقابل حفظ استقلال» قرار دارد و «توسعه مدل‌های جدید مشارکت اقتصادی» و همچنین«شکل‌گیری قطب‌های اقتصادی جدید» مورد تاکید است.

سنتز نهائی اقتصادی به شکلی بسیار گل درشت و نمایان «پارادایم جدید اقتصادی» را از نتایج شکل‌گیری این جنگ بر می‌شمارد و «اقتصاد مقاومتی» را به عنوان تنها راهکار مدنی معرفی می‌کند.

در نگاه کلی به این سنتز نهائی اقتصادی «توسعه نامتوازن» با محوریت بخش دفاعی و «جهانی‌سازی موازی» با ایجاد شبکه‌های اقتصادی جدید، بازتعریف شاخص‌های توسعه اقتصادی شناخته می‌شوند.

پیامدهای آتی

سنتز اقتصادی حاصل از این جنگ، تحت عنوان (پیامدهای آتی) خود به تز جدیدی برای تقابل‌های اقتصادی آینده تبدیل شده و بازگو می‌کند که جنگ اقتصادی پنهان در آتی به طور حتم تشدید خواهد شد و رقابت بر سر «توسعه فناوری‌های حیاتی» شدت خواهد گرفت که این رقابت، مدل‌های جدید همکاری اقتصادی منطقه‌ای را شکل خواهد داد.

اگر نظریه دیالکتیک اقتصادی را با تحلیل نهائی کارشناسان عرصه اقتصادی و توسعه نظامی در یک تحلیل جمع شود؛ می‌توان به این درک از موضوع رسید که چگونه جنگ فیزیکی ۱۲روزه، به یک «تقابل اقتصادی پایدار» (آلترناتیو برای دو طرف) تبدیل شده که در نهایت اثرات آن بسیار طولانی‌تر از خود درگیری نظامی خواهد بود.

همچنین، بر اساس تحلیل‌های موجود، جنگ ۱۲ روزه تأثیرات عمیقی بر محاسبات امنیت ملی ایران و اسرائیل گذاشته و نقاط قوت و ضعف راهبردهای امنیتی هر دو طرف را آشکار کرده است که در ادامه با همین دیدگاه دیالکتیکی به آن خواهیم پرداخت.

نقد فرم و ساختار فیلم «مجنون»

لیلی کجاست؟

محمدرضا محقق

یکی از فیلم‌های قابل توجه سینمای دفاع مقدس که بنا بوده همزمان پرتره‌ای از یکی از سرداران محبوب و نامی جنگ دفاعی هشت ساله هم باشد، مجنون است که در واقع ادای دینی است به شهید مهدی زین‌الدین.

آنها که مهدی زین‌الدین را می‌شناسند یا زندگینامه‌اش را خوانده‌اند خوب می‌دانند که درباره چه کسی صحبت می‌کنیم و آنها او را نمی‌شناسند و چیزی هم درباره‌اش نخوانده‌اند باید این را بدانند که دیدن فیلم مجنون تنها یک قدم، یک لحظه، یک روزنه بر آن اقیانوس رشادت و ایمان و بزرگی بود.

داستان فیلم مجنون درباره بخش کوتاهی از رشادت‌های برادران شهید زین‌الدین است. این فیلم برشی از حماسه آفرینی شهیدان مهدی و مجید زین‌الدین و رزم‌آوران لشگر ۱۷ علی‌بن‌ابی‌طالب(ع) قم در جزیره مجنون و عملیات بزرگ خیبر را به تصویر می‌کشد. شهید مهدی زین‌الدین فرمانده لشکر ۱۷ علی ابن ابی‌طالب در دوران دفاع مقدس و از فرماندهان ارشد سپاه پاسداران در طول جنگ تحمیلی بود که در سال ۶۳ در منطقه سردشت در پی درگیری مستقیم با نیروهای مسلح دشمن در سن ۲۵ سالگی به شهادت رسید.

فیلم گرچه تلاش می‌کند تا به آن وجه پرتره‌گون از زین‌الدین نزدیک شود ولی از آنجا که دغدغه اصلی‌اش جزیره مجنون و عملیات خیبر است قاعدتا زین الدین را تنها در همین اتمسفر و محدوده به تماشا می‌گذارد که گرچه انتخاب اصلی و درستی است اما می‌توان گفت گاه در حوزه درام‌پردازی و نزدیک شدن به شخصیت و فردیت زین‌الدین عقب می‌ماند.

با این همه اما فیلم در این خصوص هم چندان بی‌توفیق نیست و به ویژه با وجه تسمیه و مسمایی که در باب «مجنون» و روحیه مجنون‌وار زین‌الدین در دفاع از میهن به نمایش می‌گذارد مبدل به یکی از فیلم‌های درخور این عرصه در دهه‌های اخیر سینمای ایران می‌شود.

سکانس آغازین و معرفی فیلم و تعقیب دوربین از پشت و نوع معرفی مهدی زین‌الدین ابتکار جذابی است که یک شروع غافلگیرکننده و خوشایند و البته هنرمندانه را برای فیلم رقم می‌زند.

این اتفاق در یک سکانس دیگر هم به خوبی رخ می‌دهد و آن سکانس وداع مهدی زین‌الدین با معاونش، رضا حسن‌پور و به‌همراه خود بردنش به‌وسیله موتور زیر آتش دشمن به عقب و کشیدن پرچم ایران به روی اوست؛ به مثابه وداعی باشکوه و جانسوز و یک تراژدی حماسی که تصویری ماندگار در سینمای دفاع بر جای می‌گذارد.

اما از منظر دراماتیک فیلم جز روایت عملیات خیبر، چیز دیگری در چنته ندارد. جای خالی داستانک‌های خاصی که می‌توانست بار دراماتیک اثر را بر دوش بکشد و پیروی نکردن از قواعد ژانر نیز که باعث می‌شود فیلم در برخی مواقع آنچنان که باید و شاید کار نکند و اگر همان یکی‌دو سکانس ملودراماتیک شهید با همسرش، منیر و دختر نوباوه‌اش، لیلا را نداشت، از این هم خالی‌تر و بار عاطفی و احساسی داستانک‌های فرعی اثر، نحیف‌تر می‌شد.

اما از منظر ساختار فرمی می‌توان با نوعی سختگیری اصولی گفت که در مجنون نزدیک شدن به فرم شمایل تیپیکال شهید زین‌الدین هم آنچنان که توقع می‌رود ساخته و پرداخته نمی‌شود.

اینکه فیلمساز با تکیه بر یک سری عکس و فیلم و بر همین مبنا با همین ابزار و ادوات نسبتا کلیشه‌ای- که البته در برخی مواقع هم چاره و اجتنابی از آن نیست- به بازسازی برخی رخدادهای شخصی و عملیات‌های ایشان پرداخته ولی در عین حال تدبیر و تمهیدی برای پرداخت شخصیت محوری فیلم نکرده است. همین امر هم باعث می‌شود روایت فیلم نامنسجم و نامعلوم و هیچ کاراکتر همراه‌کننده‌ای از فیلم در ذهن و ضمیر مخاطب باقی نماند.

اما چرا گفتیم مجنون یکی از فیلم‌های قابل توجه سینمای جنگ است که بنا بوده همزمان پرتره‌ای از یکی از سرداران محبوب و نامی جنگ دفاعی هشت ساله هم باشد و در واقع ادای دینی به شهید مهدی زین‌الدین.

پاسخ سؤال در خودش مستتر است؛ خود این رویکرد جهادی به خلق چنین اتمسفری آن‌هم از یک کارگردان جوان و نیز خلق لحظاتی در فیلم که در خاطر مخاطب می‌ماند و البته همان گام‌های ولو اندک اما محکمی که در جهت ساخت پرتره شهید مهدی زین‌الدین، عملیات خیبر و جزیره مجنون برداشته است همگی بر ارزش‌های فیلم می‌افزاید و ای کاش آن خلل‌ها و فقدان‌ها که در ساختار و فیلمنامه و ریتم و روایت فیلم به چشم می‌خورد، کمتر بود تا مجنون مبدل به یکی از بهترین‌های سینمای جنگ در طول تمام این سالها می‌شد.

آری؛ آنها که مهدی زین‌الدین را می‌شناسند یا زندگی نامه‌اش را خوانده‌اند خوب می‌دانند که درباره چه کسی صحبت می‌کنیم و آنها که او را نمی‌شناسند و چیزی هم درباره‌اش نخوانده‌اند باید این را بدانند که دیدن فیلم مجنون تنها یک قدم، یک لحظه، یک روزنه بر آن اقیانوس رشادت و ایمان و بزرگی بود.

خط مقاومت زنده است!

رسانه ملی، در عمل به رسالت تاریخی خود در قبال آرمان فلسطین و محور مقاومت، همواره بستری برای نمایش هنرمندانه حماسه ایستادگی ملت‌های منطقه بوده است. از میان تولیدات برجسته در این حوزه، برنامه تحلیلی- سیاسی «خط مقاومت» شبکه سه سیما، اکنون به نمادی محکم و ماندگار در عرصه مبارزه رسانه‌ای با ستمکاران عالم تبدیل شده است.

این ویژه‌برنامه که از شهریورماه سال جاری پخش خود را آغاز کرده، توانسته است با تحلیل‌های تخصصی و دقیق از فرآیند مقاومت در غزه، لبنان، یمن و سوریه، و تصویرگری جسورانه از جنایات رژیم صهیونیستی کودک‌کش و استکبار جهانی (بخصوص آمریکای جنایتکار)، بازتاب‌های گسترده و مثبتی در میان مخاطبان داشته باشد.

ویژگی متمایز «خط مقاومت»، تمرکز بر صدای مردم مظلوم و مبارزان آزادیخواه است. این برنامه نه صدای حکومت‌ها، بلکه منادی حقانیت مقاومت و چالش کشیدن حاکمان و دولت‌های سازشکار است. با دعوت از کارشناسان برجسته سیاسی، بین‌المللی، حقوق‌دانان و خبرنگاران از کشورهای مختلف محور مقاومت و جهان، «خط مقاومت» به یک جبهه رسانه‌ای قوی در برابر پروپاگاندای صهیونیستی و استکباری تبدیل شده است.

بازگشت پرصلابت این برنامه پس از وقفه‌ای کوتاه به آنتن شبکه سه، نشان‌دهنده عزم راسخ رسانه ملی برای ادامه این مسیر است. عوامل تولید «خط مقاومت» در دور جدید پخش، با بخش‌های جذاب‌تر و نگاهی عمیق‌تر، تمام توان خود را در مسیر افشای حقایق پشت پرده جنایتکاران و نسل‌کشی در منطقه به کار بسته‌اند.

«خط مقاومت» به روشنی اثبات کرده است که در عرصه رسانه، می‌توان با اقتدار مقابل دشمنان آزادی و عدالت ایستاد و درسی فراموش‌نشدنی به متجاوزان داد. این برنامه، مشعلی فروزان است که به جوانان مبارز سوریه، لبنان، یمن و فلسطین انگیزه مضاعفی برای ادامه جهاد تا پیروزی کامل می‌بخشد و به جهان می‌فهماند که راه مقاومت همچنان باز و زنده است.

رسول شمالی ورزنده

نگاهی به فیلم «سوپرمن»

جنگ فرهنگی و سود تجاری در موازات هم

فاطمه قاسم‌آبادی

دنیای قهرمان‌های کمیک بوک‌های آمریکایی و ورود این قهرمانان به سینما و تلویزیون، تا به حال با استقبال زیادی روبه‌رو بوده است. این قهرمانان که نمادی از قدرت و شوکت آمریکا هستند، از بعد از جنگ جهانی دوم، با اهداف مهمی به دنیا معرفی شده‌اند تا بقیه مردم را هم شیفته خودشان بکنند.

شخصیت سوپرمن، با توجه به اهمیتی که برای یهودیان دارد، تا امروز جزو شناخته شده‌ترین قهرمانان کمیک بوکی آمریکایی بوده است و بارها از آن برای ساخت فیلم، سریال، پویانمایی و... استفاده کرده‌اند.

فیلم «سوپرمن» ساخته «جیمز گان»، محصول سال ۲۰۲۵ آمریکا است. این فیلم با توجه به داستان کلاسیکش، به خاطر تبلیغات خاصش، توانست گیشه را فتح کند و چند برابر بودجه ساختش، بفروشد.

داستان سوپرمن جدید

داستان فیلم سوپرمن، با شکست از دشمنی به نام «چکش بوراویا» شروع می‌شود.

بعد داستان کمی به عقب بر می‌گردد و مخاطبین می‌بینند که چند روز قبل، سوپرمن جلوی حمله نمادین چکش بوراویا را می‌گیرد و مانع حمله کشور «بوراویا» به همسایه‌اش، «جارهانپور»، می‌شود. بعد از این اتفاق، رئیس جمهور بوراویا، «واسیلی غورکوس»، در پیامی تلویزیونی هشدار می‌دهد که سوپرمن باید دست از دخالت در حمله آنها به جارهانپور بردارد!

بعد از این هشدار، سوپرمن برای اولین بار توسط چکش بوراویا شکست می‌خورد و با کمک سگ خاصش، «کریپتو»، به دژ انزوا در جنوب پناه می‌برد.

آنها تحت تعقیب «آنجلا اسپیکا»، ملقب به «مهندس» و هم پیمان میلیاردرش به نام «لکس لوتر» هستند.

ربات‌های سوپرمن با تابش متمرکز نور خورشید او را درمان می‌کنند و پیامی از والدین بیولوژیکی‌اش، «جور-ال» و ل «را لور-وان»، به او می‌رسانند که در آن، علت فرستادنش به زمین برای نجات از نابودی کریپتون توضیح داده شده است. اما این پیام در مسیر آسیب دیده و تنها نیمه اول آن قابل پخش است....

بعد سوپرمن به متروپلیس برمی‌گردد اما دوباره توسط چکش شکست می‌خورد. سوپرمن وقتی شکست می‌خورد موافقت می‌کند تا با «لوئیس لین»، دوست دختر و همکار خبرنگارش در دیلی پلنت، مصاحبه کند. این مصاحبه به بحثی داغ درباره پیامدهای حقوقی و اخلاقی اقدامات او در بوراویا می‌انجامد.

بعد از این اتفاقات، پیام آسیب دیده والدین سوپرمن توسط لوتر تغییر داده و پخش می‌شود. در نیمه دوم این پیام، والدین سوپرمن به او گفته اند: «باید همه مردم زمین را برده خود بکند و هر کس از خدمت به او سر باز زد را باید نابود کند!» این اتفاق باعث می‌شود تمام فضای مجازی بر علیه سوپرمن شود... در نهایت بعد از اتفاقات بسیار زیاد، نقشه‌های لوتر بر ملا می‌شود و همکارانش دستگیر می‌شوند و در انتها شخصیت دختر عموی سوپرمن، که با عنوان «سوپرگرل» شناخته می‌شود، در صحنه‌های آخر برای نوید ادامه این فیلم دیده می‌شود....

قهرمان یهودی برای نجات آمریکا!

شخصیت سوپرمن، یکی از محبوب‌ترین و شناخته شده‌ترین شخصیت‌های کمیک بوکی آمریکایی است که از همان ابتدا، به شدت مورد توجه مخاطبین قرار گرفت و مانور زیاد تولیدات فرهنگی هم روی این شخصیت، موجب معروف شدن بیش از حد آن در دنیا شدند.

این محبوبیت باعث شد تا بعد از سال‌ها، امسال باز هم با بودجه‌ای بزرگ، فیلمی در مورد این شخصیت ساخته شود.

در مورد تاریخچه سوپرمن باید گفت که این شخصیت توسط «جری سیگل» و «جو شوستر» خلق شد و اولین بار در شماره ۱ مجله «کمیک‌های اکشن» ماه ژوئن سال ۱۹۳۸ به مردم معرفی شد و تا امروز، ۱۱۳ فیلم سینمایی و انیمیشن با اقتباس از این شخصیت ساخته شده است!

داستان کلاسیک زندگی سوپرمن در مورد پسری به نام «کلارک کنت» است که هویت واقعی یا حداقل هویت زمینی‌اش «سوپرمن» است.

نام واقعی این پسر «کال ایل» است. او در سیاره «کریپتون» به دنیا آمد اما وقتی او بسیار کوچک بود و سیاره اش در حال نابودی، پدر و مادر او، کال را با سفینه‌ای به زمین فرستادند تا در زمین قدرت‌هایی به‌دست آورده و به قهرمان تبدیل شود.

سفینه او در مزرعه خانواده کنت فرود آمد و این پسر در یک خانواده آمریکایی بزرگ شد تا زمانی که پی به قدرت‌های خاص خود برد....

سوپرمن از همان ابتدای محبوبیت، با تبلیغات فراوان کمپانی‌های بزرگ یهودی، در سراسر دنیا به مخاطبین شناسانده شد.

چند سال پیش، یک خاخام یهودی به نام «سیمچا واینستین»، در جشن ۷۵ سالگی شخصیت سوپرمن گفت، نام اصلی سوپرمن که در فیلم کال ایل خوانده می‌شود، همووزن با کلمات اسرائیل و میکائیل است. این کلمه در عبری به معنی «صدای خدا» است و با الهام از زندگی حضرت موسی(ع) ساخته شده است.

شخصیت سوپرمن با توجه به فضائی بودن و داشتن قدرت‌های خاص، همیشه چه در دنیای کمیک بوک‌ها و چه در دنیای سینما، نقش مهمی داشته و وظیفه محافظت از آمریکا را در مقابل دشمنانش را بر عهده گرفته است.

البته سوپرمن به عنوان شاهزاده‌ای که از سیاره‌ای دیگر برای خدمت به آمریکا آمده، نمادی از جاه طلبی و برتری‌طلبی تمام‌نشدنی یهودی آمریکایی است که از تسلط به کهکشان‌ها و فراتر از زندگی روی کره زمین صحبت می‌کند.

تبلیغات ضد و نقیض برای فروش بیشتر

مهم‌ترین مسئله در ساخت فیلم‌های تجاری در آمریکا، با توجه به بودجه هنگفت ساخت آن‌ها، سود و منفعت بالا است.

در مورد فیلم سوپرمن هم این مسئله کاملا صدق می‌کند و اصلا تبلیغات این فیلم و استفاده از احساسات مردم در جهت فروش بیشتر، به خاطر همین مسئله است.

اگر واضح‌تر بخواهیم بگوییم، سازندگان فیلم سوپرمن، با توجه به نفرت مردم دنیا و جهتگیری منفی حال حاضر نسبت به یهودیان و اسرائیل، در فیلم، شخصیت رئیس‌جمهور بوراویا را شبیه «داوید بن گوریون» بنیانگذار اصلی و اولین نخست‌وزیر اسرائیل طراحی کردند تا مثلا سوپرمن را مدافع مردم مسلمان کشور فرضی جارهانپور نشان بدهند و احساسات مردم را نسبت به طرفداری فرضی سوپرمن از مردم فلسطین برانگیخته کنند!

البته از طرف دیگر ماجرا در لایه‌های مهم‌تر، مخاطبین می‌بینند، سازندگان با نشان دادن دستکاری پیام والدین سوپرمن مبنی بر به بردگی در آوردن مردم کره زمین و نابودی کسانی که تسلیم نمی‌شوند، خواسته‌اند نشان بدهند که آن چیزی که به نام «پروتکل‌های دانشوران صهیون» در دنیا پخش شده و به بردگی گرفتن انسان‌ها توسط صهیون اشاره می‌کند، را نامعتبر نشان بدهند.

در یک کلام سازندگان در فیلم یکی به نعل زده‌اند و یکی به میخ، تا بتوانند از بحث‌ها و گمانه‌زنی‌های مخاطبین، به نفع فروش فیلم استفاده کنند و پول‌های هنگفت به جیب کمپانی یهودی صهیونیستی برادران وارنر بریزند!

پیش از این، فیلم پر خرج «سفید برفی» متعلق به کمپانی یهودی والت دیزنی، به خاطر تحریم بازیگر یهودی و اسرائیلی‌اش که همه جا در مورد سربازی برای ارتش اسرائیل صحبت کرده بود، با شکست بزرگی در گیشه مواجه شد.

در فیلم سوپرمن اما سازندگان، با به راه انداختن بحث سوپرمن حامی فلسطین، براحتی از کنار بازیگر یهودی نقش سوپرمن گذشتند و کمپانی برادران وارنر توانست از این جنگ، به نفع فروش فیلمش استفاده کند و سود هنگفتی ببرد!

تکه‌ای از پازل سریالی جدید

فیلم سوپرمن، از نظر منتقدین و مخاطبین، فیلمی بسیار متوسط بود و هیچ چیز جدیدی برای مخاطبین نداشت.

در این فیلم شخصیت‌ها بسیار سطحی طراحی شده‌اند و دغدغه‌های‌شان هم مانند خودشان سطحی است و همین باعث می‌شود مخاطبین نتوانند خیلی با شخصیت‌ها ارتباط بگیرند.

شخصیت سوپرمن به عنوان یک قهرمان کلاسیک، فرقی با نسخه‌های قدیمی‌اش نداشت و شخصیت منفی لوتر هم با توجه به پتانسیل‌های بالایی که داشت، نتوانست دلیل خاصی برای دشمنی‌اش با سوپرمن عنوان کند!

البته عده‌ای از منتقدین و البته سازندگان، این فیلم را صرفا شروعی برای فیلم‌های بعدی با محوریت شخصیت سوپرمن دانسته‌اند و به خاطر همین هم، خیلی به دنبال عمیق کردن داستانی که قرار است مانند گذشته، وجه تجاری‌اش پررنگ‌تر باشد، نبوده‌اند.

با توجه به استفاده از تعداد زیادی از قهرمانان کمیک بوکی در این قسمت و البته به خاطر ورود شخصیت سوپرگرل در انتهای قسمت اول، این فیلم به نوعی تنها شروعی بود برای فیلم‌های بعدی، تا مخاطبین را همچنان به سینماها بکشاند و به جیب تهیه کنندگانش با داستان‌های دم دستی، پول‌های هنگفت بریزد.

توهم ابرقهرمانی!

به خاطر مانور بسیار زیاد روی کتاب‌های کمیک در آمریکا، بیشتر بازیگران، با علاقه و اشتیاق بسیار زیاد، برای انتخاب در نقش‌های ابر قهرمانی داوطلب می‌شوند.

به خاطر همین هم ارزش بازی در پروژه‌هایی با ابرقهرمان‌های مشهور مانند بتمن، سوپرمن و... برای بازیگران به قدری زیاد است که حتی گاهی کمترین دستمزد را برای بازی در چنین پروژه‌هایی می‌گیرند و وجه محبوبیت این نقش‌ها برایشان، مهم تراز وجه مادی است!

شخصیت سوپرمن در آمریکا، جزو چنین قهرمان‌هایی است. شاید به خاطر همین میزان محبوبیت سوپرمن باشد که حتی دونالد ترامپ چند هفته پیش با گذاشتن سر خودش در پوستر فیلم سوپرمن، خواست تا نظر مخاطبین را به خود جلب کند!

این یعنی در آمریکا از بچه‌های دبستانی تا خود رئیس‌جمهور، چنان مسخ شخصیت سوپرمن هستند که با وصل کردن خود به آن، می‌خواهند احساس کنند که قهرمان هستند!!!